

دیوان ترکی نظامی گنجوی!

دیوان ترکی نظامی گنجوی که خانم فخر تاج فخر واعظی در کتابخانه خدیویه مصر کشف کرده و توسط مؤسسه اندیشه نو در تهران به چاپ رسیده است، گویا این که پان ترکیست های آذربایجان و ترکیه و از جمله انل اوغلو نامی این پدیده را حادثه بزرگ قرن یاد نموده و شاخ و برگها و دلایل افسانه ای بر صحت دیوان ترکی نظامی گنجوی ارائه داده اند، محققاً با دلایل مستند و قابل باوری که منتقدین اظهار داشته اند، از آن نظامی گنجوی نیست، و همه پان ترکیست ها در این مورد نیز راه انحرافی پیموده اند.

خوشبختانه ذیل کتابهای خطی و قدیمی عثمانی که در مجموعه شخصی دارم نسخه ارزنده ای به نام تذکرة الشعراء لطیفی ست در ۶۶۲ صفحه که به سال ۱۰۱۸ هجری قمری کتابت شده و احوال و نمونه شعری سیصد و اندی شعراء قدیم عثمانی را یاد کرده و شناسانده است.

این کتاب که در سال ۹۵۳ هجری قمری و به نام سلطان سلیمان قانونی (۹۲۸-۹۷۴ ه. ق.) و توسط عبداللطیفی تألیف شده است، جزو نسخ انحصاری بوده و به علت قلت نسخه و نایابی آن چه در ترکیه و به خصوص در ایران در دسترس محققان قرار نگرفته و ناشناس مانده است.

در این نسخه گرانقدر که به خط نسخ عالی ست، و اسامی و سر مقاله های آن به رنگ سرخ نگاشته شده است، در بین بیش از سیصد تن شاعران زمان سلطان سلیمان قانونی و قبل از آن، تنها یک شاعر به نام نظامی - نظامی قونوی - دیده می شود که در زمان سلطان محمد فاتح (۸۵۵-۸۶۶ ه. ق.) حیات داشته و در جوانی نیز فوت کرده است.

پر واضح است که محققان و نویسندگان پان ترکیستی یا این نسخه را نشناخته و ندیده اند و یا این که به عناد و دشمنی همیشگی جعل حقیقت نموده و نظامی قونوی را نظامی گنجوی قلمداد کرده اند. در این جا پنج برگ فتوکپی احوال و آثار شعری نظامی قونوی را که در تذکرة الشعراء لطیفی نوشته شده است، با ترجمه پارسی آن به نظر علاقه مندان می رسانم:

از شعراء روم و شاعر شیرین کلام و از ساحران فن شعر و شاعر سحر بیان و ناظم نظم بلیغ اعنی نظامی عفی الله عنه قنوی بوده و در دوران محمد خان (۸۵۵ - ۸۸۶ ه. ق.) از شعراء بلند شأن و خسرو نشان و حافظ بیان به شمار آمده متأسفانه از چشمه حیات سیراب نگشته و از عمرش نصیبی ندیده و موقعی که محبوب جوان سال و ساده روی و صاحب جمال بوده فوت شده است.

از ابتدای سلطنت آل عثمان تا زمان حالیه به مجموعه شعراء قدیمه غالب آمده و از سرجمله های بدایع اشعار می باشد و به وفور طبیعت و وسعت قابلیت در کمترین مدتی قادر به کمالات کثیره شده و شهره آفاق و آرایش اطباق گشته است.

حتی مرحوم محمدخان کشورگشای نظم غرا و ذهن و ذکای او را تعریف نموده و جهت غلبه او در شعر به احمد پاشا، خان خاقان نژاد دیدار او را خواستار شده به سده سعادت دعوت شده به قطب الشعراء احمد پاشا غالب آمده و در قصیده «قصر و لعل و آفتاب» و «سبعه سیاره» هفت غزل مقبول و مشهور او که با دقتهای دقیق و نازک ترین صنایع شعری که می شود گفت لانتظیر نظیره می باشد روانه دولتخانه شد و اما به تقدیر ربانی در اثنای راه اجل عجله کرده گلویش را گرفت و آن افکار و امل و قصیده و غزل از موقع قبول باز ماند.

این شعر از اشعار فصاحت شعار و زاده طبع در بار اوست:

ساقیا ساغر بلوره دوک اول یاقوتی - که تنک قوتی در روح روانک قوتی

(ساقیا ساغر... .. یاقوتی باش - که قوت تن است و قوت روح و روان)

ذتک چاهی نه ساحر درایا زهره جبین - که صویه ایلتر و صوسز کتور رهارونی

(... چاهی نه ساحر است ای زهره جبین - که به آب می رسد و هارون را نشنه می آورد)

حبس نندن دلی فور تارنه لایق که اوله - مرغ لاهوتی اسیر قفس ناسوتی

(قلب را از حبس تن خلاصی بده - که مرغ لاهوتی اسیر قفس ناسوتی ست)

شیوه سندن خطکک اولدی محقق بو که - نلثی دکلو دکل نسخ خط یاقوتی

(از شیوه خط تو محقق شد - که خط نلث تو نه نسخ خط یاقوتی باشد)

قشدر وک پای فراقیله نظامی که اوله - حسرت اوقلارنه صندوقه اوله تا بوتی

(باهایت به پای فراق نظامی که بمیرد - به حسرت آن که صندوق تا بوتش باشد؟)

اکثراً از مدونات فارسی منتبع شده و از صنایع سلف مستفید و متمتع گشته است. به طور مثال این مطالع آثار و نتیجه مطالعاتش می باشد.
 بل بغلیوب که قلمه فصد اول حبیب ایدر - نازک خیال بغلر و فصد غریب ایدر
 وله فارسی :

ای بسته بر قلم میان گر بی ملالی بسته ای - قصد غریبی کرده ای نازک خیالی بسته ای

*

جان و یردی مگر سرو سهی قدی بولنده - کایلر بشی اوستنده فغان مرغ سحر خیز
 فارسی: جان داد مگر سرو سهی راه قد او - مکر و فغان بر سر او مرغ سحر خیز
 گوزلرم باشینی گوزلر اول بت سیمین بدن - نیتکه گولده ثریا گوزلر آهوی ختن
 (آرزوی اشک چشمم می کشد آن بت سیمین بدن - طوری که ثریا در آسمان آرزوی
 آهوی ختن می کند؟)

شعری که نظیر شعر (کاکل مشکین) احمد پاشا سروده بود مقبول مومی الیه احمد پاشا و باعث
 حیرت و غایت تعجب گشته و گفته که فلان پسر سروده است.
 این بیت از مقطعات اوست:

متنها قدنیک اوستنده نظامی راستی - سدره طا و سینه بگزر کاکل مشکین دوست